

شنبه 30 فروردین 1399-24 شعبان 1441-18 آوریل 2020

قتل "گریبایدوف" سفیر کبیر روسیه تزاری در ایران به دست مردم معترض تهران (1207 ش)



قتل "گریبایدوف" سفیر کبیر روسیه تزاری در ایران به دست مردم معترض تهران (1207 ش)، پس از شکست ایران در دوره دوم جنگ با روس، معاهده ترکمنچای به امضا رسید که همانند معاهده گلستان، بر ضرر ایران بود. پس از مدتی گریبایدوف به عنوان سفیر کبیر روسیه، برای نظارت بر اجرای مفاد آن به ایران آمد. او می‌خواست با زور و خشونت، مردم مسلمان ایران را به قبول و اجرای این قرارداد خفت‌بار وادار کند. یکی از مواد قرارداد ترکمنچای، بازگشت مردم سرزمین‌های جدا شده از ایران، به آن مناطق بود. در همین حال، شماری از زنان گرجی که در ایران مسلمان شده و ازدواج کرده بودند، حاضر به رها کردن خانواده‌های خود و بازگشت به گرجستان نبودند. گریبایدوف نیز قصد داشت به زور، آنان را به سفارت روسیه برده و به گرجستان منتقل نماید. اما میرزا مسیح مجتهد از روحانیون برجسته تهران، مردم را به اجتماع، مقاومت و دفاع از نوامیس مسلمانان فرا خواند. مردم مسلمان تهران نیز با تظاهراتی اعتراض‌آمیز به نزدیکی سفارت روسیه رفتند. با تیراندازی مأموران سفارت و کشته شدن سه نفر از مردم بی‌دفاع، خشم و انزجار عمومی برانگیخته شد و مردم به سفارت روسیه حمله کردند. در این حمله، گریبایدوف و شماری از همراهان او به قتل رسیدند. این حادثه، واکنش طبیعی مردم مسلمان ایران، در برابر ستمگری، تجاوزگری و افزون‌خواهی دولت روسیه تزاری و بی‌کفایتی حکومت فتحعلی شاه قاجار بود. اما فتحعلی شاه از این حادثه بسیار ترسید و برای جلوگیری از بروز جنگی دیگر، هیئتی را برای عذرخواهی به روسیه فرستاد. در آن زمان چون روسیه در حال جنگ با عثمانی بود، عذر فتحعلی شاه را پذیرفت و دولت ایران هم میرزا مسیح مجتهد را به عتبات عالیات در عراق تبعید نمود.

اولین سفیر "ناصرالدین شاه قاجار" به اروپا (1252 ش)، میرزا حسین‌خان مشیرالدوله، صدراعظم ناصرالدین شاه قاجار، در نخستین سال صدارتش کوشید برای آشنایی شاه با مظاهر تمدن اروپا و ایجاد زمینه‌های مناسب برای اجرای برنامه‌های مورد نظر خود در ایران زمینه‌های سفر شاه قاجار را به اروپا فراهم سازد. پس از انجام مذاکرات با رؤسای کشورهای اروپایی، امپراتور اتریش و دولت‌های آلمان، فرانسه، بلژیک، سوئیس و ایتالیا آمادگی خود را برای پذیرایی از شاه ایران اعلام کردند. تا اینکه در این روز موكب شاهانه از تهران به طرف گیلان حرکت کرد و به سمت مسکو پایتخت روسیه به راه افتاد. این سفر چندین ماهه، گرچه به امید مشاهده ترقیات دولت‌های اروپایی و رغبت یافتن به اجرای اصول تمدن و نظام جدید زندگی در ایران بود، عملاً نتیجه خوبی نداد. زیرا شاه را مایوس ساخت و فاصله میان تمدن شرق و غرب را آن قدر زیاد یافت که نه تنها امید به رسیدن به پای دولت‌های بزرگ را از او سلب کرد، بلکه او را آماده جلوگیری از تأسی به اروپاییان و حتی مسافرت به اروپا گرداند. در این میان، اصرار و تهدید روس‌ها و نفوذ درباریان بی‌اطلاع، سودجو و تطمیع شده و بی‌حقیقتی انگلیسی‌ها که به لباس دوستی در پی بسط نفوذ خود و تضعیف ایران بودند و سیاست دول بزرگ که فقط نفع خود را می‌خواستند، از عوامل تأیید نظر شاه بود. با این همه، دو سفر دیگر شاه نیز، برای خوشگذرانی بود نه یافتن راه ترقی. همچنین هزینه‌های سرسام‌آور و کمرشکن این مسافرت‌های بی‌هوده، باعث عقب ماندگی هرچه بیشتر مملکت، فقر سراسری و وابستگی بیشتر به اجانب می‌گردید. در این میان، دربار قاجار برای تهیه مخارج این خوشگذرانی‌ها، مجبور بود که به بیگانگان دست نیاز دراز کند و امتیازهای وطن فروشانه‌ای را به آنان واگذار کند که بیش از پیش، اقتصاد ایران را درهم می‌کوبید.

امتیازاتی که برخی از آنها، تا پیش از شصت سال نیز ادامه داشت. حلت عالم حلتا. "میرزا محمد حسن شیرازی" مدتی که معاهد عالم، قدس شیعہ (1312 ق)، آیت‌الله میرزا محمدحسن شیرازی در نیمه‌های جمادی الاولی سال 1230 ق در شیراز به دنیا آمد. از چهار سالگی شروع به تحصیل نمود و در 8 سالگی مقدمات را به پایان برد. وی در پانزده سالگی شرح لمعه را تدریس کرد و سپس عازم اصفهان گردید. میرزای شیرازی در 29 سالگی وارد کربلا شد و پس از آن به نجف رفت و در درس شیخ اعظم، انصاری، شرکت جست و از خواص شاگردان او شد. پس از فوت شیخ مرتضی انصاری در 1281 ق زعامت شیعه به میرزای بزرگ شیرازی محول گردید و نزدیک به 30 سال در این مقام به رفع مشکلات مردم و اداره‌ی حوزه‌های علمیه مشغول بود. مهم‌ترین حادثه‌ای که در ایام زعامت آن پیشوای بزرگ شیعه رخ داد، قضیه‌ی جنبش تنباکو بود. فتوای تاریخی ایشان در معاهده‌ی انحصار تنباکو در زمان ناصرالدین شاه، چنان مردم را به صحنه کشاند که شاه قاجار، مجبور به فسخ قرارداد تنباکو گردید. میرزای شیرازی همزمان با رهبری جامعه‌ی اسلامی، شاگردان بسیاری را به جامعه‌ی اسلامی تقدیم نمود و کتب متعددی را تألیف کرد. حضرات آیات عظام سیدمحمدکاظم یزدی، آخوندملاحمد کاظم خراسانی، میرزا محمدتقی شیرازی معروف به میرزای دوم، شیخ فضل‌الله نوری، حاج میرزا حسین نوری، میرزا اسماعیل شیرازی و ده‌ها عالم بزرگوار از جمله شاگردان این فقیه بزرگوار می‌باشند. سرانجام، میرزای بزرگ در 82 سالگی در سامرا چشم از جهان فرو بست.

درگذشت "آلبرت اینشتین" (به آلمانی: Albert Einstein) (زاده ۱۴ مارس ۱۸۷۹ - درگذشته ۱۸ آوریل ۱۹۵۵) فیزیک دان نظری زاده آلمان بود. او بیشتر به خاطر نظریه نسبیت و بویژه برای هم ارزی جرم و انرژی ($E=mc^2$) شهرت دارد. علاوه بر این، او در بسط تئوری کوانتوم و مکانیک آماری سهم عمده ای داشت. اینشتین جایزه نوبل فیزیک را در سال ۱۹۲۱ برای خدماتش به فیزیک نظری و به خصوص به خاطر کشف قانون اثر فوتوالکتریک دریافت کرد. او به دلیل تأثیرات چشمگیرش، به عنوان یکی از بزرگ ترین فیزیکدانانی شناخته می شود که به این جهان پا گذاشته اند. در فرهنگ عامه، نام «اینشتین» مترادف هوش زیاد و نابغه شده است.

ت‌ه‌، "عبدالعزیز رنتیسی" رهبر جنبش حماس، توسط رژیم صهیونیستی (۲۰۰۴م) رهبر جنبش مقاومت اسلامی فلسطین حماس در ۲۳ اکتبر ۱۹۴۷م، یعنی هفت ماه پیش از شکل‌گیری رژیم نژادپرست اسرائیل در منطقه یافا در فلسطین به دنیا آمد. با اعلام موجودیت رژیم غاصب قدس، پدر و مادرش ناگزیر شدند همراه وی و نه برادر و دو خواهرش به اردوگاه خان یونس در جنوب نوار غزه کوچ کنند. رنتیسی در شش سالگی وارد مدرسه ابتدایی شد اما فقر و تنگنای شدید مالی، وی را وادار کرد تا برای کمک به خانواده به دست فروشی روی آورد. با این حال تحصیلات خود را ادامه داد و دوره دبیرستان را با رتبه ممتاز به پایان رساند. وی سپس برای تحصیل در رشته پزشکی راهی شهر اسکندریه مصر شد و در ۱۹۷۶م با رتبه بالا از این دانشگاه فارغ‌التحصیل گردید. رنتیسی از آن زمان به فلسطین بازگشت و در کنار مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی، به تدریس، معالجه و درمان بیماران و مجروحان فلسطینی پرداخت. وی در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۲م بارها به زندان رژیم صهیونیستی افتاد و آخرین بار در سال ۱۹۹۷م از زندان رهایی یافت. عبدالعزیز رنتیسی و شیخ احمد یاسین، دیگر مبارز فلسطینی، از پایه‌های گذاران جنبش مقاومت اسلامی فلسطین، حماس، در سال ۱۹۸۷م بودند. وی در سال ۱۹۹۲م به همراه چهارصد تن از مجاهدان فعال و مسؤولان حماس و جهاد اسلامی به لبنان تبعید شد و در مقام سخنگوی رسمی تبعید شدگان فعالیت کرد. پس از چندی، رژیم صهیونیستی تحت فشار افکار عمومی، به وی و دیگر مبارزان فلسطینی اجازه ورود به فلسطین را داد، اما وی به محض ورود به فلسطین بازداشت شد و تا سال ۱۹۹۷م در زندان به سر بُرد. رنتیسی در سال‌های پس از آن، فعالیت‌های سیاسی خود را افزایش داد و تحت نظر او، تلفات سنگینی به رژیم صهیونیستی وارد آمد. وی در سال‌های پایانی عمر، به عنوان یکی از رهبران مؤثر مبارزان فلسطینی و مرد شماره دو جنبش حماس فعالیت کرد. از این رو، مزدوران رژیم صهیونیستی درصدد از میان برداشتن او بودند اما ترور رنتیسی در بهار ۲۰۰۳م ناکام ماند. آشنایی با زبان انگلیسی و شخصیت مؤثر وی در محافل سیاسی داخل فلسطین، ذهن باز و روشن، حافظه قوی و برخورد قاطع با اقدامات اسرائیل، از جمله ویژگی‌های بارز شهید عبدالعزیز رنتیسی بود. عبدالعزیز رنتیسی پس از شهادت شیخ احمد یاسین، رهبر معنوی حماس، به رهبری این جنبش در نوار غزه برگزیده شد، اما ۲۶ روز بعد در حمله بالگردهای رژیم صهیونیستی در ۱۸ آوریل ۲۰۰۴م در ۵۷ سالگی به شهادت رسید. در این ترور، فرزند و دو همراه رنتیسی نیز به شهادت رسیدند و بار دیگر قساوت و سبوعیت رژیم صهیونیستی را به اثبات رساند.

جسد مطهرش را از سامرا تا نجف با پای پیاده تشییع کردند و در آخر شعبان در جوارمرقد منور امیرالمؤمنین(ع) به خاک سپردند. از آن پس مجالس فاتحه در تمام شهرها برگزار گردید. همه‌ی بازارها در این ایام تعطیل بود و این عزاداری تا نزدیک به یک سال ادامه داشت.